



فهرست مطالب

۹مقدمه
۱۳تکه‌های نان
۱۴روی تشک نمی‌خوابید
۱۵از سر من هم زیاد است!
۱۶با یک دست لباس ساده
۱۷زندگی فقیرانه
۱۹حقوق ۲۲۰۰ تومان!
۲۰فقط دو دست لباس خاکی
۲۱آبگوشت ماهی!
۲۲چرا خانه را فرش نکردید؟
۲۳همان یک بار
۲۴دنیا بی‌شدی؟
۲۵کفش‌های رنگ و رو رفته
۲۶لباسش را خودش می‌دوخت
۲۸کفش‌های وصله‌دار
۲۹سور عروسی
۳۰حالا بهتر شد
۳۱بالشی از ریگ‌های بیابان
۳۳دو هزار تومان برای یک ماه!
۳۴قناعت و عزت نفس

۳۵ مهمانی دلنشین
۳۶ پیروزی بزرگ
۳۷ منجلاب دنیا
۳۸ فراموشی دنیا و دوست داشتنی‌های آن
۳۹ تنها تقاضای من، تنها خواهش او
۴۱ تسبیح
۴۲ من فرمانده نیستم
۴۳ فاتح عملیات!
۴۴ فقط بنویس مسؤول عملیات
۴۶ دو تا بالش، دو تا پتو!
۴۷ چرا مسؤول این‌گونه زندگی می‌کند...؟
۴۹ کیف مدرسه
۵۰ ناهار پاسداری
۵۱ با این پوتین‌ها احساس راحتی می‌کنم!
۵۳ نه همین لباس زیباست، نشان آدمیت
۵۶ مثل سرباز
۵۸ پرده‌های طاغوتی
۶۰ دلم می‌خواهد، پس نمی‌خورم!
۶۱ ناشناخته
۶۲ ناهار نخورده برگشت!
۶۳ ناهار با سلیقه‌ی من
۶۴ اهل خودنمایی نبود
۶۵ عروسی به این سادگی؟
۶۷ ساده می‌خورد
۶۸ صلاح نیست این‌جا زندگی کنیم!
۶۹ زندگی در یک اتاق

- در یک اتاق سرد ۷۱
- من حقوقم را گرفته‌ام ۷۲
- هیچ کس را مثل او ندیده‌ام ۷۳
- هنوز شش ماهم پر نشده ۷۴
- سر منشأ تمام خطاها ۷۶
- حتی لباسش را بخشید ۷۷
- عَلَم و کُتَل نداشت ۷۸
- از دواج بسیجی ۷۹
- تو که یک دست داری چرا...؟! ۸۰
- کنار آنها که دوستشان می‌داشت ۸۲
- خانه‌ی مرا ساده بساز ۸۵
- شیرین‌تر از ما نان خشک‌ها را خورد ۸۶
- فارغ از دنیا ۸۷
- دوست دارم از دنیا بروم و هیچ نداشته باشم ۸۸
- خجالت می‌کشم با این لباس بروم! ۹۱
- کمک آر.پی.جی زن هستم! ۹۲
- مهم ساختن خانه‌ی آخرت است ۹۴
- فرمانده شما هستید؟ ۹۵
- زندگی در موتورخانه! ۱۰۰
- یک مشت خاک بیاش صورت‌م! ۱۰۱
- وقتی احتیاج ندارم، چرا بگیرم؟ ۱۰۲
- همه‌ی زندگی او ۱۰۳
- من یک پاسدارم ۱۰۴
- همان‌گونه که می‌اندیشید ۱۰۶
- این میز، باقی نمی‌ماند ۱۰۷
- مبارک باشه، دیگر چی؟ ۱۰۸

- ۱۱۰ ساده پوش
- ۱۱۱ جشن عروسی
- ۱۱۲ این شلوار چه عیبی دارد؟
- ۱۱۵ منابع



مقدمه

بعضی از رزمندگان بزرگ دفاع مقدس برای این که همه‌ی وقت خود را صرف جهاد نمایند، خانه و زندگی را از شهرهای امن به شهرهای جنگی نزدیک جبهه انتقال دادند. تمام بار زندگی آنان در هنگام کوچ گاه در یک وانت یا حتی در یک ساک و یک چمدان جا می‌شد. آنان به پیامبر عظیم‌الشأن خود تأسی کرده بودند که وقتی می‌خواست به جایی کوچ کند، می‌توانست اثاثیه‌اش را جمع کند و پشتش بگیرد. این در حالی بود که به فرموده‌ی امام محمد باقر (علیه‌السلام): «فرشته‌ای خدمت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمد و گفت ای محمد، خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید اگر بخواهی سرزمین مکه را برای تو از طلا پُر سازم. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سر به سوی آسمان بلند کرده، عرض کرد: خدایا! این حال برای من بهتر است که

یک روز از غذا سیر شوم و سپاسگزاری تو را کنم و
روز دیگر گرسنه بنمانم و از تو گدایی کنم.»
حضرت با کمال تواضع بر روی زمین می نشست.
زیراندازش حصیر بود و قوت غالبش نان جوین و
خرما.

مردان بزرگ دفاع مقدس که عامل ترین مسلمانان
به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) بودند، از
چرب و شیرین دنیا گذشته بودند. لذا همیشه به
کمترین قناعت می کردند و از همان نیز با ایشار
می گذشتند. اهل آرزوهای دور و دراز دنیایی نبودند،
چرا که تا یک قدمی مرگ پیش آمده بودند.

رزمندگان که خانواده اشان در پشت جبهه و در
شهرها و روستاهای دور دست از خط بودند، نیز در
نهایت سادگی و بی آلاچی زندگی را اداره می کردند.
رزمندگان چه در مراسم ازدواج، چه در خورد و
خوراک و چه در امکانات و وسائل زندگی، بسیار
ساده و در سطح پائین تر از متوسط عمل می کردند.
آنان آمده بودند که امکان تأسی به سیره ی رسول
خدا و ائمه اطهار (علیهم السلام) را در سال های پایانی
قرن بیستم به همه نشان دهند. آنان تکلیف خود را
در تأسی به حضرت امام خمینی (ره) و
راهنمایی های آن رهبر عظیم الشان، می دانستند که در

نهایت سادگی می‌زیست و نه تنها از بیت‌المال، که از دارایی‌های شخصی خود و هدایا نیز در راه وسعت زندگی خود و خانواده‌اش بهره نمی‌گرفت.

ساده‌زیستی، یعنی آزادی از اسارت پول و اشرافیگری، یعنی رهایی از حرص و طمع و آز، یعنی فرار از تشریفات و شهرت و معروفیت و منیت، یعنی دل را پاک کردن از تمتعات دنیایی و آراستن برای حضور حق تعالی، و رزمندگان که از هر اسارتی با جهاد فی سبیل‌الله رسته بودند، از این اسارت نیز آزاد، و ساده‌زیستی شیوه و سیره و تکلیفشان شده بود.

خدا همه‌ی دلشان را پُر کرده بود و ارادت و محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) و دوستان آنان، و لذا جایی برای غیر آنان نداشتند. گردن را از اغلال تشریفات و تجملات و اشرافیگری آزاد کرده بودند تا در پیشگاه خداوند، به بندگی خم کنند و پیشانی عبودیت و نیاز بر درگاه او به خاک سایند.

آنان در قرآن کریم خوانده بودند که: کسانی که برای جهاد در راه خدا حرکت نمی‌کنند و بر زمین سنگینی می‌نمایند و سستی به خرج می‌دهند، از سوی خداوند شماتت می‌شوند و علت امتناعشان از جهاد، برگزیدن و انتخاب متاع زندگی دنیا به جای

آخرت، معرفی می‌شود و آنان به عذاب دردناک
تهدید می‌شوند. (۱)

آنان این سخن گرانسنگ امام محبوب و عزیز
خود را به جان شنیدند که فرمود:

«اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل
بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های
پیشرفته‌ی آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح
شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند، خود
را به ساده‌زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال
و منال و جاه و مقام بپرهیزید. (۲)»

این مجموعه لحظه‌های نابی را از خاطرات
ساده‌زیستی و قناعت شهدای دفاع مقدس پیش روی
ما قرار داده است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت

۱- سوره‌ی توبه، آیات ۳۸ و ۳۹.

۲- صحیفه‌ی امام، ج ۱۸، ص ۴۷۱.